

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۳ هـ (۲۷ شوال ۱۳۵۳)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بقیه شور لایحه اصلاح قانون حکمت
- ۳) تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه

- ۴) شور دوم قسسی از جلد دوم قانون مدنی
- ۵) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بر ریاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس شنبه ششم بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

دعوی می شود می تواند با طرفین اصلی در ارجاع امر بحکمت و تعیین حکم تراضی کند و اگر موافقت حاصل نکرد بدعوی مشارالیه مطابق مقررات مستقلاً رسیدگی خواهد شد.

رئیس - اشکالی نیست؟ (خیر) ماده ۱۶ :  
ماده ۱۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به حکم بدهند و حکمها نیز میتواند توضیحات لازمه را از آنها بخواهند هرگاه در ضمن رسیدگی کشف

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خیر)  
صورت مجلس تصویب شد.

### ۲ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون حکمت

رئیس - خیر کسب بون قوانین عدلیه راجع بقانون حکمت ماده ۱۵ قرائت می شود:  
ماده ۱۵ - شخص ثالثی که مطابق قانون جلب شده و یا قبل و یا بعد از ارجاع اختلاف بحکمت وارد

این مذاکرات مشروح بکدو بیست و دومین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۵ آذر ماه ۱۳۰۸)

دایره نشر نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبین بی اجازه - آقایان حاج غلامحسین ملک - امیر ابراهیمی - امدی - اعظم زنگه - دکتر قزل اویغ - وکیلی - محمود غامبی  
یونس آقا و هب زاده - شریعت زاده - طباطبائی دیا - کورس - مدنی  
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : سرفضی قلیخان بیات - افغسی - عرفی - اسفندیاری - امیر تیمور - نیک پور - ارکانی - فراکزلو  
شهرودی - همراز



اوضاع و احوالی شود که مربوط به جنحه یا جنایت و در حکم حکم مؤثر بوده و قنکبک جهت حقوقی از جزای ممکن نباشد حکمها باید دعوی یا بمحکمه ارجاع کنند یا بمحکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد رجوع کنند و پس از صدور حکم قطعی در موضوع امر جزای حکم مزبور بمحکمه ابلاغ می شود و مدت قانونی حکمیت از تاریخ ابلاغ تجدید می گردد. حکمها نمی تواند برخلاف مفاد حکم مربوط بامر جزای رأی دهند. دعوی جمل و نزوی در سند بدون تعیین جاعل و مزور و یا در صورتیکه تعقیب جاعل و مزور بجهتی از جهات قانونی ممکن نباشد از قبیل امور جنحه یا جنایت نیست حکمها در صورتیکه بتوانند خود رسیدگی بدعوی مزبور مینمایند و نیز میتوان بدعوی مزبور را بمحکمه ارجاع کننده یا بمحکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد ارجاع کنند در این صورت برای رسیدگی باصل دعوی منتظر صدور قرار محکمه در احکام باطلان سند می شوند و مدتی که رسیدگی باصل دعوی باین جهت معوق مینماید جزء مدت حکمیت محسوب نیست. رأی اکثریت حکمها (در صورت تعدد) برای ارجاع رسیدگی بدعوی جمل یا نزوی بمحکمه کافی است.

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده هفدهم:

ماده ۱۷ - در موارد ذیل حکمیت از بین می رود

۱ - در صورت تراشی کتبی طرفین

۲ - در صورت فوت یا حجر یکی از طرفین

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده ۱۸ فراتر شد بشود

ماده ۱۸ - حکمها در رسیدگی و حکم تابع قواعد اصول محاکمه و حکم نیستند ولی باید شرایط قرارداد حکمیت را رعایت کنند. رأی حکم باید موجه بوده و مخالف با قوانین منوی (قوانین موجود حق) نباشد

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده نوزدهم:

ماده ۱۹ - در صورتیکه حکمها اختیار صلح داشته باشند می تواند دعوی را صلح خانیه دهند.

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده بیستم:

ماده ۲۰ - اگر یکی از حکمها در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر بوده ولی برای دادن رأی بدون عذر موجه حاضر نشود یا از دادن رأی امتناع نماید حکمی که با کثرت صادر می شود مناط اعتبار است عدم حضور و یا امتناع حکم از دادن رأی یا از امضاء آن باید در حکم قید شود.

رئیس - مخالفی نیست؟ (خبر) ماده ۲۱:

ماده ۲۱ - پس از وصول رأی حکم مدیر دفتر با اطلاع رئیس محکمه آنرا عیناً در دو نسخه عمل ثبت کرده مطابقت ثبت را با اصل تصدیق و امضاء رئیس محکمه میرساند و اصل حکم را برای ابلاغ با صاحب دعوی میفرستد

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده بیست و دوم:

ماده ۲۲ - هرگاه محکوم علیه تا ده روز بعد از ابلاغ با طوعاً حکم را اجرا نکند محکمه ارجاع کننده دعوی بمحکمت و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بتقاضای طرف ذی نفع بر طبق رأی حکم ورقه اجرائیه صادر کند.

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده بیست و سوم:

ماده ۲۳ - هرگاه طرفین حکم را با اتفاق رد کنند حکم بلا اثر خواهد شد.

رئیس - اشکالی نیست؟ (خبر) ماده ۲۴:

ماده ۲۴ - حکمها مکلف هستند رأی خود را در مدت حکمیت بدهند و در صورتیکه رأی حکم پس از انقضای مدت حکمیت صادر شده باشد هر یک از طرفین می توانند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسخ آنرا از محکمه ارجاع کننده و یا محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بخواهند.

رئیس - اشکالی ندارد؟ (خبر) ماده بیست و پنجم:

ماده ۲۵ - در موارد ذیل رأی حکم اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است:

۱ - در صورتیکه حکم بمخالف قانون باشد.

۲ - وقتیکه حکمها خارج از حدود اختیارات خود

و یا نسبت بمطلبی که موضوع حکمیت بوده است حکم داده باشند.

۳ - در صورتیکه برخلاف سند رسمی که بجهتی از جهات قانونی از اعتبار نیفتاده است حکم داده باشند.

رئیس - آقای انور -

الامر - حکمی که اینها بدهند که بر خلاف سند رسمی باشد البته ارزش دارد که بگوئیم باطل است اما اگر با این ترتیب که بر خلاف قانون هم بود بطور مطلق دیگر هیچ قیمتی برای حکمیت و نشستن و باقی ماندن باقی نمی ماند چون حکمیت يك جنبه اصلاحی هم درش ملحوظ است حالا اگر يك چیزهایی باشد که مخالف سریع يك قانونی است که خیلی مضرات مثلاً بر خلاف قانون شرع است و یا برخلاف فلان قانون هم است عیب ندارد ولی اگر يك جزئیات را در نظر بگیریم مثلاً باید روز هشتم ابلاغ شود روز نهم شده است یا تشریفات جزئیات هم ملایم است بنده گمان میکنم همین تشریفات جزئی را هم لفظ قانون بگیرد و بقیه بنده ما نباید دست و پایی حکم را این مقدار به بندیم بنا بر این خوب است آقای وزیر عدلیه يك راه حلی برایش پیدا کنند و يك چیزهای مهمی را در نظر بگیرند مثلاً فرض بفرمایند بگوئیم بر خلاف قانون مدنی باشد یا مخالف قانون اساسی باشد ولی بطور مطلق این جزئیات را بخواهیم در نظر بگیریم بنظر بنده چندان لزومی نخواهد داشت.

وزیر عدلیه - اینجا در سه مورد که مقرر شده است در این قانون که حکم حکم از اعتبار ساقط است يك مقصود این است که مخالف با قانون باشد و مقصود از قانون در اینجا همان قانون حقوق است یعنی قوانین موجود حق چون در ماده سابق ماده ۱۸ آنجا گفته شد که حکمها در وقت صدور حکم تابع قواعد و اصول محاکمه نیستند یعنی تابع قانون طرز و شکل نیستند ولی از قوانین موجود حق نباید تخلف کنند زیرا احترام قوانین بیش از اینها است اساساً حق به موجب قوانین همین میشود مثلاً

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور

الامر - بنده هم مقصودم این بود که يك قسمتش بمعل آمد البته مقصود تشخیص این موضوعات بود که فرمودند مقصود قوانین موجود حق است که تصریح فرمودند بنده متقاعد شدم و خیلی این توضیحات خوب بود که داده شد و اگر این توضیحات داده نمیشد ممکن بود مورد اشکال واقع شود.

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور

الامر - بنده هم مقصودم این بود که يك قسمتش بمعل آمد البته مقصود تشخیص این موضوعات بود که فرمودند مقصود قوانین موجود حق است که تصریح فرمودند بنده متقاعد شدم و خیلی این توضیحات خوب بود که داده شد و اگر این توضیحات داده نمیشد ممکن بود مورد اشکال واقع شود.

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور

الامر - بنده هم مقصودم این بود که يك قسمتش بمعل آمد البته مقصود تشخیص این موضوعات بود که فرمودند مقصود قوانین موجود حق است که تصریح فرمودند بنده متقاعد شدم و خیلی این توضیحات خوب بود که داده شد و اگر این توضیحات داده نمیشد ممکن بود مورد اشکال واقع شود.

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور

الامر - بنده هم مقصودم این بود که يك قسمتش بمعل آمد البته مقصود تشخیص این موضوعات بود که فرمودند مقصود قوانین موجود حق است که تصریح فرمودند بنده متقاعد شدم و خیلی این توضیحات خوب بود که داده شد و اگر این توضیحات داده نمیشد ممکن بود مورد اشکال واقع شود.

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور

الامر - بنده هم مقصودم این بود که يك قسمتش بمعل آمد البته مقصود تشخیص این موضوعات بود که فرمودند مقصود قوانین موجود حق است که تصریح فرمودند بنده متقاعد شدم و خیلی این توضیحات خوب بود که داده شد و اگر این توضیحات داده نمیشد ممکن بود مورد اشکال واقع شود.

رئیس - ماده ۲۶ فراتر میشود:

ماده ۲۶ - در مورد ماده فوق هر يك از طرفین میتوانند از محکمه که دعوی را ارجاع بمحکمت کرده یا

اگر کسی در ضمن (رهن بدون قبض بگوئیم باطل است) اگر يك حکمی حکم بدهد که صحیح است قبض يك قانون مهم مملکتی را کرده است و هرگز نمی شود این را قبول کرد زیرا مخالف اصل حق در واقع رأی داده است یکی هم در صورتیکه خارج از حدود اختیارات خودشان باشد که البته آنرا هم اختیار نداشته اند و يك رأی لغوی داده اند و یکی هم اینکه بر خلاف سند رسمی یعنی بر خلاف مفاد سند رسمی باشد و این مانع از این نیست که بتوانند صلح کنند صلح اینطور نیست و اشکال ندارد و همچنین اگر خود سند رسمی متزلزل باشد یعنی معلوم نباشد که از اعتبار افتاده یا نه باز هم می تواند نظر کند در آنجا چون ممکن است که از اعتبار افتاده باشد مثلاً سندی مربوط به دین است طرف بگوید پرداخته ام مدعی پرداخت است مربوط باعتبار سند نیست حرف او زیرا سند سر جایش خیلی هم معتبر ولی من وجهش را پرداخته ام یا باین شرایط عمل کرده ام روی این نظر اختلاف میشود بین متداعیین این هم چون باعتبار سند نیست میتواند مورد رأی حکم واقع شود ولی برخلاف اعتبار سند که سند رسمی يك چیزی را تثبیت کرده باشد حکم نمی بکنند یا نمی کرده باشد اثبات میکنند این هم مثل مخالفت با قانون است که در اینجا باید رأی حکم بکلی از اعتبار ساقط باشد.

رئیس - آقای انور



محکمه که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بطلان حکم حکم را بخواهد در این صورت محکمه مکلف است تقاضای مزبور رسیدگی کرده هرگاه حکم بر طبق ماده فوق باطل باشد حکم بطلان آن بدهد در تقاضای ابطال حکم حکم و حکم بطلان فقط قابل استیناف است در صورتیکه در تقاضا یا حکم بطلان از محکمه استیناف صادر شده باشد قابل تمیز است.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ (خیر) ماده بیست و هفتم: ماده ۲۷ - در صورتیکه دعوی در مرحله تمیزی رجوع بحکمیت شده باشد تقاضای ابطال باید از محکمه بعمل آید که حکم مورد استدعای تمیز را داده بوده است. رد تقاضای ابطال و یا حکم بطلان حکم حکم صادر از این محکمه فقط قابل تمیز خواهد بود.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ ماده بیست و هشتم: ماده ۲۸ - عرض حال استینافی و تمیزی از حیث مخارج و مدت و طرز تنظیم و همچنین رسیدگی بدعوی تابع مقررات اصول محاکم حقوقی است.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ (خیر) ماده بیست و نهم: ماده ۲۹ - حکم حکم فقط در باره طرفین دعوی و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین حکم داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت باشخاص خارج بهیچوجه تأثیری نخواهد داشت.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ (خیر) ماده سی ام: ماده ۳۰ - حق الزوجه حکم اختصاصی هر یک از طرفین بهمه خود آطرف و حق الزوجه حکم مشترك بهمه طرفین است که باید بامتناسفه بدوازند مهذلك حکمها می توانند در ضمن حکم خود تقسیم مزبور را بترتیب دیگری مقرر کنند مگر اینکه بین طرفین قرارداد خاصی در ترتیب پرداخت حق الحکمیة حکم ها مقرر شده باشد.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ (خیر) ماده سی و یکم: ماده ۳۱ - هرگاه بین حکم و طرف یا طرفین دعوی ترتیب خاصی معین نشده باشد حق الزوجه حکمها به طریق ذیل خواهد بود:

تا صد هزار ریال مدعی به ۵ پنج درصد برای کابیه حکمها  
از صد هزار ریال تا دویست هزار ریال ۴ چهار درصد  
از دویست هزار ریال تا پانصد هزار ریال ۳ سه درصد  
از پانصد هزار ریال بیلا ۲ دودر صد  
حق الزوجه مزبور از طرفین دعوی وصول و باسویه بین حکمها تقسیم میشود.

**رئیس** - آقای افسر - اگر چه در این ماده دو جهت رعایت شده است ولی بعقیده بنده از حیث مبالغهای کثیر باید رعایت کرد که که تر شود ولی نسبت به مبالغهای کم چون ارزشی ندارد که دوره جمع شوند و مدتی وقتشان را تلف کنند بنظر بنده باید بکفوری تقاسمیش بیشتر رعایت شود ولی هر چه بالا برود تناسبش کمتر شود که ضرر مردم کمتر شود زیرا وقتیکه پانصد هزار تومان یا یک میلیون هم که مورد بحث باشد همانقدر وقت تلف میشود که در مبالغهای کم تلف میشود پس بعقیده بنده باید تقاسمیش کمتر شود.

**وزیر عدلیه** - این رعایت در ماده داده شده است که تا صد هزار ریال پنج درصد است که در کتب بیون هم که مذاکره شد این قسمت بنظر عادلانه آمد و بعد از صد هزار و یک ریال بالا چهار درصد است و یکی گشته میشود دویست هزار بیلا سه درصد از پانصد هزار ریال بیلا دو درصد و حکمیت یک مایونی هم که سراغ نداریم

**رئیس** - پیشنهاد آقای روحی: مقام متبع ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدانه ارکانه پیشنهاد میکنم که در ماده ۳۱ حق الزوجه حکمها هر نفری دو و نیم درصد باشد.

**رئیس** - ماده سی و دوم: ماده ۳۲ - در مورد دعاوی که بموجب قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ اصلاح آن رجوع بحکمیت شده است هرگاه در موقع اجرای این قانون مدت حکمیت مطلق قوانین مزبوره منقضی گشته و حکمها رأی خود را نداده باشند و طرفین دعوی بتجدید یا تمدید مدت حکمیت تراشی نکندند بر طبق این قانون عمل خواهد شد.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ ماده سی و سوم: ماده ۳۳ - نسبت بدعاوی که حکمهای بدوی طبق قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ رأی خود را داده و بر حسب تقاضای طرفین یا یکطرف رجوع بحکمیت تجدید نظر شده ولی حکمهایی که برای تجدید نظر تعیین شده اند هنوز در موضوع قضیه اظهار نظر نکرده اند حکمهای مزبور مکلفند که در ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون رأی خود را صادر و اعلام دارند والا هر یک از طرفین میتوانند در ظرف ده روز از تاریخ انقضاء مدت مذکور در فوق از رأی حکمهای بدوی استیناف بخواهند.

در این صورت حق الزوجه حکمهای بدوی پس از صدور حکم استیناف طبق ماده ۱۲ قانون حکمیت مصوب اسفند ۱۳۰۶ وصول و ایصال خواهد شد.

**رئیس** - اشکالی نیست؟ ماده ۳۴: ماده ۳۴ - دعای ذیل قابل ارجاع بحکمیت نیست: ۱ - دعاوی راجعه بنوقف و ورثه کسبگی ۲ - دعاوی راجعه باصل نگاه و طلاق و نسب

**رئیس** - پیشنهاد آقای کاشف اینجانب پیشنهاد میکنم بعد از حذف اول از ماده ۳۴ حذف شود.

**رئیس** - ماده سی و پنجم: ماده ۳۵ - قانون حکمیت مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون اصلاح قانون حکمیت مصوب ۱۱ فروردین ماه ۱۳۰۸ نسخ میشود و مواد ۲۵۷ تا ۲۷۹ اصول عماکت حقوقی که بموجب قانون اسفند ۱۳۰۶ نسخ شده بود کماکان بحال منسوخ بقی بمانند.

**رئیس** - آقای افسر - در آن دو قانون البته در تجدید نظر مرتباً یک قواعد و قوانینی داشت که چندین تجدید نظر بود ولی در اینجا هیچ اساسی از تجدید نظر نیست البته معلوم است که یک تجربیاتی در این دو قانون شده و بالاخره شاید

یک ضرری از برای این قائل شده اند یا اینکه دیده اند خوب محاکم ما که سه درجه است ابتدائی دارد و استیناف و تمیز و در مقابلش حکمیت را یک درجه قائل شده اند و در مبالغ گراف و مطالب مهم هم تجدید نظر نمیدانند شده است بنا بر این خوب است آقای وزیر عدلیه توضیح بفرمایند که بنده متقاعد دوم والا پیشنهاد میکنم چند ماده برای تجدید نظر نودنه خود

**وزیر عدلیه** - حکمیت سابق در موضوع تجدید نظر یک منقضی داشت برای اینکه مدتی از برای رسیدگی حکمها معین نشده بود بسیاری از حکمها در پیش حکمهای تجدید نظر مانده است در سال سه سال و هیچ تکلیفی برای طرفین دعوی معین نشده و بهیچ جا هم نمیتوانند رجوع کنند این است که در این قانون یک مدتی معین شده است برای رأی دادن قرار داده شده است از تاریخ تصویب این قانون که اگر تا دو ماه حکمهای تجدید نظر رأی خودشان را دادند که مطابق قانون منسوخ است و اگر در مدت دو ماه صادر نکردند آن کسیکه از حکمهای بدوی متضرر شده حق استیناف دارد چون نمیتوانستیم بگوییم بکلی مافی است چون در قانون سابق رأی حکمهای بدوی مافی شده ولی در اینجا حق استیناف برای او قرار داده شده است و جریان میشود.

**رئیس** (خطاب به آقای اورنگ) - بصره که پیشنهاد کرده بودند مربوط بماده نهم است چون دور اول است در پیشنهادها مذاکره نمیشود و بهینطور میفرستیم بکمیسیون

**اورنگ** - بسیار خوب - **رئیس** - آقایانی که در مورد دوم این لایحه

واقف دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد [ ۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه ] **رئیس** - آقای وزیر عدلیه فرمایند دارید؟ **وزیر عدلیه** - لایحه منتهی از قوانین مدنی است راجع باحوال شخصی که آن را جلد دوم قانون مدنی



اسم خواهم گذاشت راجع بقربان و يك مقامی راجع به تكمال تقديم میشود  
[ ۴ - شور دوم قسمتی از جلد دوم قانون مدنی ]  
رئیس - خیر که بیرون قوانین عدلیه راجع به جلد دوم قانون مدنی شور دوم :

خیر که بیرون

که بیرون قوانین عدلیه لایحه نمره ۲۶۶۷ دولت را که در تعقیب مواد قانون مدنی پیشنهاد شده بود برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح و بحث شور و مدافعه فرار داده و نتیجه را برت شور اول خود را که از نظر آقایان نمایندگان محترم هم گذشته و موافقت شده بود با اصلاحاتی تصویب و اینک راپرت آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقديم میدارد .

کتاب دوم در تابعیت

ماده ۹۷۶ - اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب میشوند  
۱ - کلبه ساکنین ایران باسنتهای اشخاصیکه تبعیت خارجی آنها مسلم باشد تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارك تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد .  
۲ - کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند  
۳ - کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد

۴ - کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند  
۵ - کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام لا اقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقررات است  
۶ - هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند  
۷ - هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد .  
بصره - اطفال متولد از نمایندگان سیاسی وقتسولی

دولتی باشد معلوم میشود والبته این مورد هیچ پیدا نخواهد شد  
رئیس - آقای انسر

انسر - این نظری را که آقای ادهم دارند بنظر بنده عبارت ماده آن مقصود را هم تأمین میکند بجهت اینکه تبعیت پدر و مادرش که معلوم نبود چه تشخیص داده شود که تابعیتشان معلوم باشد و چه تشخیص داده نشده باشد میتوان این راه را هم گرفت که اعم از هر دو باشد ولی البته عبارت ماده تصریح نخواهد داشت که پدر و مادرش معلوم نباشد وقتی که پدر و مادرش معلوم نباشد باتباع تابعیتش ایرانی است و اگر تشخیص دادند که تابعیتش معلوم خواهد شد اگر هم غیر از این باشد که دیگر موضوع ندارد و همان نظر اولی را میگیریم و بنظر بنده اینکه کما از نظر تبعیت را اضافه کنیم زائد است  
رئیس - آقایانیکه با ماده ۹۷۶ موافقت دارند قیام فرمایند .

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده ۹۷۷ :  
ماده ۹۷۷ - اشخاص مذکور در فقره ۴ و ۵ حق دارند پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام تابعیت تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهار به کتبی تقديم وزارت خارجه نمایند و تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهند شناخت ضمیمه اظهاریه باشد .

رئیس - نظری نیست . آقایانیکه با ماده ۹۷۷ موافقت دارند قیام فرمایند .

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده ۹۷۸ :  
ماده ۹۷۸ - نسبت با طفالی که در ایران از اتباع دولتی متولد شده اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط با اجازه می کنند معامله متقابل خواهد شد .

رئیس - موافقت با ماده ۹۷۸ قیام فرمایند .  
( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده ۹۷۹ :  
ماده ۹۷۹ - اشخاصیکه دارای شرایط ذیل باشند میتوانند تابعیت ایران را تحصیل کنند .  
۱ - به سن هیجده سال تمام رسیده باشند .  
۲ - پنجسال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند .

۳ - فراری از خدمت نظامی نباشند .  
۴ - در هیچ مملکتی بجنحه مهم باجنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشد .  
در مورد فقره دوم ابان ماده اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است  
رئیس - آقای اورنگ .

اورنگ - راجع باین ماده شرایطی را که این جا ذکر میکنند من جمله در قسمت چهارم این طور متذکر است که در هیچ مملکتی بجنحه مهم باجنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشد همچون شخصی نمیتواند تابعیت دولت ایران را دارا شود . مسئله جنحه غیر مهم را من بیکدبری زائد میدانم برای اینکه اولاً تشخیص مهم و غیر مهم چطور میشود برای اینکه اگر يك کسی کاری کرده باشد که جزای او این است که مراجعه کنند به محکمه جنحه این تشخیص قابل و کثیرش بیکدبری مشکل است که بیایم به بینیم که این شخص که به محکمه جنحه رفته با گناه کمی رفته است یا با گناه غلیظ تری رفته است که بحسب ششاه با بیلا محکوم شده است یا بحسب حد اکثر که مثلاً معلوم کرده است سه سال محکوم شده است تشخیص این امر بیکدبری مشکل است و در زندگانی عادی اشخاص ممکن است بعضی قضایا پیش بیاید که انسان به تلافی بجنایت محکمه جنحه بشود و يك کار هائی بکند که به محکمه جنحه برود این سلب يك حق را نیست بواسطه این عمل از او کرد که اگر بخواهد تابعیت ایران را قبول کند



بواسطه اینکه در مملکت خودش رفته است بهر حال  
چند سال اجتناب خوب بکنفر آدم جانی حالا دولت ایران  
همچو سابق و مایل نیست که يك آدم جانی بیاید تبعه اش  
بشود ولی چنانچه يك امری است که ممکن است در زندگانی  
برای آدم اتفاق بیفتد و این اتفاق نباید سلب این افتخار  
و سلب این شرف و سلب این حق را از او بکند و گمان  
نکنیم اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت بفرمایند این  
جزء از ماده را یا پیشنهادی حذف کنیم و قبول بفرمایند  
که این کتاه سلب این حق را از مردم نکرده باشد.

**وزیر عدلیه** - جنحه مهم و غیر مهم در نظر قضات  
و محاکم تقریباً روشن است و مثل يك اصطلاحی شده  
است چنانچه هائی که ممکن است تبدیل بجزای نقدی بشود  
یا اساساً جزای نقدی در قانون برای مجازات آنها معین  
شده است آنها را غیر مهم میشناسند ولی چنانچه هائی که  
مجازات آنها قابل تبدیل بجزای نقدی نیست و مدتی حبس  
است اعم از اینکه چهارماه باشد یا چند سال این اشخاص  
اشخاص لکه دارای هستند و این اشخاص را مناسب نیست  
که دولت ایران قبول کند به تابعیتی هر چند چنانچه است  
و مثل جناب البته نیست ولی اینکه جنایت غیر سیاسی  
گفته شده برای این است که يك لکه شخصی نیست و  
در واقع امور سیاسی است که ممکن است بر طبق عقیده  
خودش يك اقدامی کرده باشد و اینها اشخاصی نیستند که  
شخصاً لکه دار شوند ولی چنانچه مهم با جنایت غیر  
سیاسی البته آدم را لکه دار میکنند و چندان مناسب  
نیست که به تبعیت ایران قبول شوند و مهم و غیر مهم هم  
همین است که عرض کردم و میشود چنانچه را بکلی خارج  
کنیم برای اینکه بگفتند از اعمال غیر قانونی و غیر  
مشروع است که در ردیف چنانچه واقع است و در حقیقت  
مهم است و چنانچه و جنایت هم روی آن مجازاتی که  
برایش معین میشود معلوم میشود و خلاف هم هم بطور  
باین لحاظ تصور میکنم متناسب ترین طردی است که گرفته  
شده است زیرا اگر بخواهیم چنانچه را بکلی موقوف  
کنیم که خوب نیست و اگر بخواهیم تمام درجانش را هم

ایرانی الاصل باشند پست سال قبل پانزده سال قبل  
يك مناسبت وجهانی نه این که خواسته باشند که  
خارج شده باشند از تبعیت ایران به يك جهت سرحدی  
و يك مناسبتی باین که ایرانی الاصل بوده اند حالا  
تبعه دولت دیگر هستند اینها اگر تقاضای تابعیت کنند  
باید برای آنها هم دولت تسهیلاتی قائل شود يك  
طوری بنویسند که مثلاً هیئت وزراء اگر صلاح دانست  
يك تزییاتی برای تسهیل کار آنها منظور نماید که  
در واقع آن تشریحات اقامت و آن ماده راجع به  
پنجسال را حتماً مدنظر نگیرند و خیلی هم اتفاق  
افتاده است که بین ما و همسایگان که غفلت کرده اند  
بروند تذکره بگیرند خیلی اشخاص هستند که در  
قطر مجاور دیده ایم و می شناسیم در موفقی که  
از طرف آن دولت بهشان گفته شده است  
بباید تذکره بگیرد غفلت کرده اند طبیعتاً ناع شده است  
نه اینکه خودش رفته باشد و قبول کرده باشد البته این  
جهات را هم دولت مدنظر خواهد گرفت که اگر یکی  
از این قبیل جهات غفلت کرده است و يك جهاتی هست  
که کتاه و تقصیر حساب نمیشود آنها را بدون اقامت پنج  
سال تابع قرار بدهند.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی.

**مؤید احمدی** - (غیر کیمبون) - جناب اظهار  
عقیده و نظریه حضرت والا کمان میکنم در مواد بعد باشد  
که در آنجا با آنها چه ترتیب رفتار نمایند آنجا ممکن  
يك عبارتی پیشنهاد بفرمائید که مناسب بآن ماده باشد  
(افسر - جایش همین جا است) چون در آنجا نوشته ایم  
ایرانیانی که از ۱۲۸۰ با منظر تبعه شده اند تبعیت  
آنها را بر سمیت نمی شناسیم حالا ممکن است چون آنها را  
مقرر شناخته ایم و مجازاتی برایشان معین کرده ایم این  
قسمت را هم پیشنهاد بفرمائید که از آن مجازات معاف  
باشند والا اگر ایرانی الاصل باشد که مشمول این ماده  
نیست برای اینکه این قسمت مال تبعه خارجی است  
که میخواهد ایرانی باشد که اگر متخصص باشد یا فلان  
باشد با این شرایط باید وارد تبعیت ایران شود والا

اگر ایرانی الاصل باشد که این شرایط لازم نیست.  
**افسر** - اینکه فرمودند که اگر ایرانی الاصل باشد  
لازم نیست این شرایط و این مربوط بکسانی است که تابع  
دولت دیگری هستند این ماده که فرمودند راجع به ۱۲۸۰  
يك جهاتی بوده است که آقای وزیر عدلیه هم در کیمبون  
توضیحاتی دادند که بموجب يك حکم دولتی که آپرف  
منوع بوده آنرا مدرك قرار داده اند آن تظلماتی  
علیه هم است ولی آقایان ملاحظه فرموده اند که بین  
همسایگان اتفاق افتاده است که دولت هائی که تازه تشکیل  
شده بود میخواهند تشخیص تابعیت خودشان را بدهند  
اعلان کردند که تفلان مدن هر کس از دولت خودش تذکره  
آورد که هیچ والا ما اورا تابع خودمان تشخیص میدهم آن شخص  
مثلاً در فلان نقطه بود در یادآور بود یاد از جای دیگر نتوانست  
بجهتی در موقع حاضر شود و این تکلیف را انجام دهد  
یا مثلاً دولت ما اعلان کرده است که باید در فلان  
تاریخ تذکره هائیان را نشان بدهد چون تمام این  
اعلانات را اشخاص نمیتوانند بخواهند خانه آنها ای  
که عامی و بی سواد هستند از روی عدم اطلاع این  
طور می شود و اینها هیچ ایرادی برشان نیست جز  
غفلت در این صورت لازم است که يك راهی باز شود  
که اگر یكوتی این قبیل اشخاص خواستند تبعیت  
ایران را قبول کنند و هیچ گاهی هم ندارند از آن  
راه بتوانند و الا اگر گاه دارد که باید مشمول این  
شرایط باشد البته این جهات را دولت مدنظر خواهد  
گرفت و تبعیت او را قبول نمیکند ولی این نوع  
اشخاص را باید آن تشریحات را درباره شان اجرا  
نکرد آن اقامت پنجسال را دیگر برداشت که تسهیلی  
درباره اش بشود آنها ظنر این ماده می شود برای اینکه  
تبعه خارجی است لیکن ایرانی الاصل است و چون  
در این ماده گفته است که باید مثلاً متخصص باشد

وارد کنیم آنها را و مطابق فرمایش حضرتعالی.  
**رئیس** - آقایانیکه با ماده ۹۷۹ موافقت دارند قیام  
فرمایند.  
(عدد زیادی قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد. ماده ۹۸۰:  
ماده ۹۸۰ - کانیکه با موافقت عام المتفهمه ایران  
خدمت با مساعدت شایانی کرده باشند و هم چنین اشخاصی  
که دارای عیال ایرانی و از او اولاد دارند و یا  
در ای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه  
هستند و تقاضای ورود به تبعیت دولت شاهنشاهی را  
مینمایند در صورتیکه دولت ورود آنها را به تبعیت دولت  
شاهنشاهی صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن  
است با تصویب هیئت وزراء به تبعیت ایران قبول شوند.  
**رئیس** - آقای افسر.  
**افسر** - آروز بنده تقاضا کردم که آن کسانی  
هم که ایرانی الاصل باشند آنها را هم در حکم همین ما  
قرار بدهیم که آن تشریحات مقدماتی برای آنها هم  
زیاد نباشد نمیدانم چطور شده است در اینجا نیست  
شاید در جای دیگر باشد در پیشنهاد بنده بود که  
ایرانی الاصل را هم اضافه کند و قبول کردند.  
**مخبر** - بنده متوجه نشدم که غرض آقای افسر  
چه بود غرض از این ماده این بود که در مواد سابق  
قرار دادیم که کسی که میخواهد تبعه ایران شود باید  
پنجسال متتابع بانوالتی در ایران اقامت داشته باشد  
لکن گاهی ممکن است اشخاص متخصصی باشند  
عالم باشند کارهای عام المنفعه از آنها ساخته است  
آنها را گفتیم که آن شرط اقامت را نداشته باشد و  
در صورتیکه دولت ایران صلاح دانست و هیئت دولت  
تصویب کرد آنها به تبعیت قبول شوند بدون شرط اقامت  
لکن حالا غرض حضرت والا که میفرمایند ایرانی الاصل  
باشند قهیمیم که این به کجای این ماده مربوط است.  
**رئیس** - آقای افسر.  
**افسر** - نسبت بسایر اشخاص البته يك تسهیلی  
شد راجع به اقامت. بنده عرض میکنم آنها ای هم که



و پنجال اقامت داشته باشد او نمیتواند وارد این قسمت بشود از این جهت بنده عقیده ام این است که يك نهای نسبت باین اشخاص بشود.

**وزیر عدلیه** - منظور آقای افسر در ماده ۹۹۰ کمالاً رعایت شده است دیگر محتاج به چیز اضافه نیست

**ولیس** - آقایانیکه با ماده ۹۸۰ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده نهم و هشتاد و يك:

ماده ۹۸۰ - اگر تا پنجال از تاریخ صدور سند تاجیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هر گاه قبل از اقبای مدنی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جرحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تاجیت ایران صادر خواهد کرد.

**ولیس** - آقای اورنگ

**اورنگ** - بنده در این ماده فقط محتاجم به يك توضیحی که آقای وزیر عدلیه در خصوص این ماده بدهند و آن توضیح را در مجلس لازم میدانم. در ابتدای این ماده مینویسد که اگر تا پنجال از تاریخ صدور سند تاجیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام وظیفه بوده الی آخر ماده ظاهرش این است که اگر يك آدمی از خدمت نظام وظیفه فرار کرده و آمده است سند تاجیت ایران را برای خود تحصیل کرده است از روز صدور سند تاجیت تا پنجال یعنی تا آخر پنجال این ظاهر عبارت این است که باید پنجال بر او بگذرد یعنی سال پنجم هم بروز آخرش برسد لیکن در محاکم دیدیم در این موضوع خیلی این اشکال پیش آمده است که در سربك روز و يك ساعتش هم خیلی صحت است این توضیح را اینجا حاجت دارد که آقای وزیر عدلیه اینجا فرمایند که باید پنجال بگذرد مشمول این ماده بشود تاخیر وقتی که وارد شد در پنجال روز اول ورودش به پنج سال مشمول این ماده می شود این توضیح را لازم است که آقای وزیر عدلیه فرمایند

**وزیر عدلیه** - برای توضیح و حفظ نظر آقای اورنگ ممکن است عبارت را بیوسیم مگر در ظرف پنجال از تاریخ صدور سند تاجیت و آنوقت دیگر مطالب معلوم است و محتاج توضیح دیگری نیست غرض این است که اگر در این خدمت در ظرف پنجال که ابتدای آن روزی است که سند تاجیت صادر شده و انتهای آن روزی است که شماره میکنیم و پنجال تمام می شود (صحیح است) در ظرف این مدت معلوم شدن آن شخصی که به تبعیت ایران قبول شده است مرتکب جرحه یا جنایت شده یا برای فرار از نظام وظیفه بوده است هیئت وزراء حکم خروج او را از تاجیت ایران صادر مینماید ولی نکته هم بنظر خود من آمده بود که عرض میکنم نسبت به ارتکاب جرحه یا جنایت عبارت این است. و همچنین هر گاه قبل از اقبای مدنی که مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل می شود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جرحه یا جنایت عمومی است. این جا چون مرور زمان دوجور است يك مرور زمانی است نسبت به جرم که اگر حکم هم صادر شده اصل جرم دیگر تعقیب نمی شود يك مرور زمانی است نسبت به مجازات که اگر حکم صادر شده باشد اجرا دیگر نمی شود پس اگر در این جا عبارت نوشته شود که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل شده باشد بهتر است.

**ولیس** - آقای اقتدار

**اقتدار** - عرض بنده راجع است به قسمت اول این ماده در قسمت اول اینطور معلوم میشود که اگر شخص تبعه خارجی فراری از نظام وظیفه خودش باشد و بیاید در ایران و تبعیت ایران را قبول کند و تا پنجال بعد معلوم شود که این شخص فراری از خدمت نظام وظیفه بوده تابعیت او کان لم یکن خواهد بود بنظر بنده اینجا يك اصلاحی لازم است و آن این است که اگر آن شخص در خود ایران خدمت نظام وظیفه اش را انجام داده باشد با انجام بدهد دیگر لزومی ندارد که او را از تبعیت ایران خارج بکنند به همین جهت بنده پیشنهاد میکنم که بر این يك تبصره

اضافه شود که اشخاصیکه در داخله ایران انجام خدمت نظام وظیفه بکنند آن اشخاص را از تابعیت خارج نکنند.

**وزیر عدلیه** - این پیشنهاد را مشکل است قبول کردن برای اینکه ترار کردن از خدمت نظام وظیفه عیناً مثل ارتکاب يك جنحه است و گناهی است کرده و از مقررات مهم مملکت تخلف بوده حالا اگر در ایران بیاید و پس از تبعه شدن مشمول نظام وظیفه باشد و خدمت خود را انجام بدهد تبعه ایران بشود و مشمول باشد و خدمت نظام را هم در ایران انجام بدهد جبران آن کارش را نخواهد کرد و ما باید در همه جا این خدمت را مقید بشماریم

**اورنگ** - بلی. چه در مملکت خودمان چه در مملکت خارجی.

**ولیس** - ماده با اصلاح قرائت میشود:

ماده ۹۸۱ - اگر در ظرف مدت پنج سال از تاریخ صدور سند تاجیت معلوم شود شخصی که به تبعیت ایران قبول شده فراری از خدمت نظام بوده و همچنین هر گاه قبل از اقبای مدنی که مطابق قوانین ایران نسبت به جرم یا مجازات مرور زمان حاصل میشود معلوم گردد شخصی که به تبعیت قبول شده محکوم به جرحه مهم یا جنایت عمومی است هیئت وزراء حکم خروج او را از تاجیت ایران صادر خواهد کرد.

**تبصره** - اتباع خارجی که به تبعیت ایران قبول میشوند در صورتیکه در مملکت خارجی مشوقف باشند و مرتکب عملیات ذیل شوند علاوه بر اجرای مجازاتهای مقرر با اجازه هیئت وزراء تابعیت ایران از آنها سلب خواهد شد.

**الف** - کسانی که مرتکب عملیاتی بر ضد امنیت داخلی و خارجی مملکت ایران شوند و مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی بنمایند.

**ب** - کسانی که خدمت نظام وظیفه را بطوریکه قانون ایران مقرر میدارد ایفاء ننمایند.

**ولیس** - آقایانیکه با ماده ۹۸۱ با اصلاحی که قرائت

شد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده ۹۸۲:

ماده ۹۸۲ - اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است با استثنای حق رسیدن به مقام وزارت و کفالت وزارت و با هر گونه ماهوریت سیاسی خارجه بهره مند میشوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل تامل گردند مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تاجیت:

- ۱ - عضویت در مجلس مقننه.
  - ۲ - عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی.
  - ۳ - استخدام وزارت امور خارجه.
- ولیس** - آقای اورنگ

**اورنگ** - بنده راجع باین ماده برای دخول این افرادی که می آیند تبعیت دولت ایران را قبول میکنند وصول کفالت به مقاماتی اینجا استثناء شده است منجمده بوزارت است یا کفالت وزارت است یا ماهوریتهای مهم وزارت امور خارجه است و اینجا میگوید که این مقامات را میتواند احراز کرده باشد پس از اینکه ده سال از تاریخ صدور سند تاجیت آنها نسبت بدولت ما بگذرد. پس يك مرد اجنبی از غیر مملکت ما می آید و در مملکت ما تقاضای تبعیت میکند با آن شرایطی که مینویسد اینجا این نظام را بکند و سند تاجیت ما را بگیرد و تحصیل کند ده سال هم که گذشت هم نمیتواند وزیر شود هم کفالت بدهد بنده اعتقاد این است که این مدت کم است برای وصول این آدم باین مقامات که اینجا در قوانین جاهانی دیگر که رجوع کرده بودم بعضی جاها که این حق را نمیدهند اصلاً بيك آدمی که بقول ما اجنبی است و حال آمده است و بیگانه شده است و تبعه ما شده است يك مدت خیلی بیشتری را طائل شده اند و فلسفه اش این است که شاید در ظرف این مدت تعدادی مزاج این اغلال این وضعیت این حال و نیت و قلب این در مملکت ما روشن شده باشد ممکن است يك آدم بنا بر يك مقصدی



ده سال را بقول ما تزویر کند آهسته حرف بزود آهسته راه برود سالم اما باشد ولی اگر بیست سال برش گذشت ولو اینکه بخواهد این بیست سال را تزویر کند در مزاج این شخص هم هر قدر بخواهد ندایس کند ملکه راسخه میشود و خود آن ندایس و تزویر در مزاجش بواسطه مرور زمان و مرگ این ملکه راسخه میشود. بنا بر این مقدمه بنده مدت را که ده سال است برای وصول این آدم باین مراتب و مراسم کم میدانم و اگر حضرت آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند ما بک دهی دیگر بر این ده اضافه بکنیم بقصد بنده بهتر است...

**وزیر عدلیه** - وزارت و کفالت وزارت و مأموریت سیاسی خارجه در هر حال بدون مدت از او مطلوب است و مدت ده سال از برای اموری است که در ماده شرح داده شده: عضویت مجالس مقننه و انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی و استخدام وزارت امور خارجه ولی نسبت بسایر حقوق ایرانت او هم از وقتی که قبول شد به نیت ایران بفرستند می شود فقط این جا حد ماده دو استثناء است یکی استثنائی است مطابق دیگری استثنائی است موقت ناده سال (اورنگ - صحیح است)

**رئیس** - آقای افسر...  
**السر** - البته این فرض بک فرض دوری است که یک کسی ده سال تزویر کند بعد از آن هم فراموش نشود که این شخص را که مدت می خواهد برای عضویت مجالس مقننه خود انتخاب کند اگر اطمنان نکند که البته انتخاب نمی کند یک عضو اداری نیست که یک نفر او را انتخاب کند البته مردم ده بیست سی هزار نفر این را انتخاب می کنند یک خارجی را یعنی یک کسی را که سابقاً اجنبی بوده است و حالا خودی شده است باشدت احتیاط و دقت انتخاب خواهند کرد و نباید آنها را از خودمان دور داشت و باید آنها را راغب کنیم به تبعیت پیش بینی کرده اند و بنظر بنده ماده خوبست.

**رئیس** - آقای هزار چربی...

**هزار چربی** - بنده موافقم.

**رئیس** - آقای دیبا...

**طباطبائی دیبا** - اینجا قید شده است مگر پس از ده سال از تاریخ صدور سند تابعیت ایران و بنده عقیده ام این است که علاوه بر این شرط باید اقامت در ایران هم قید و شرط بشود والا بک کسی تحصیل سند تابعیت کرده است. و در خارجه مانده ده سالش هم گذشته است بعد هم بخواهد برگردد بایران و باین مقامات برسد این صحیح نیست پس خوردت که باین عبارت علاوه شود که از تاریخ صدور سند تابعیت و اقامت در ایران ده سال

**وزیر عدلیه** - اولاً که دولت مجبور نیست که حتماً و فوراً همچو آدمی را استخدام کند یا به عضویت قبول بشود این نباید از احراز صلاحیتش است اعم از اینکه در ایران مقیم باشد یا در خارجه

**رئیس** - آقایانیکه با ماده ۹۸۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۳:

ماده ۹۸۳ - درخواست تابعیت باید مستقیماً با بتوسط حکام یا ولات بوزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

- ۱ - سواد صدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.
- ۲ - تصدیق نامه نظامیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا ثقل معین برای تامین معاش. وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه بشخص تقاضا کننده را تکمیل و آراء به هیئت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیئت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت بدرخواست کننده تسلیم خواهد شد.

**رئیس** - اشکالی نیست؛ (اظهاری نشد) آقایانیکه با ماده ۹۸۳ موافقت قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۴:

ماده ۹۸۴ - زن و اولاد صغیر کسانیکه بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند بجهت دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام میتوانند اظهارنامه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر و اقربان کنند لیکن باظهارنامه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

**رئیس** - اشکالی ندارد. آقایان موافقین با ماده ۹۸۴ قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۵:

ماده ۹۸۵ - تحصیل تابعیت ایرانی پدر بهیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضا نامه بسن هجده سال تمام رسیده اند مؤثر نباشد.

**اورنگ** - مخالفی ندارد.

**رئیس** - مخالفی نیست. آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده ۹۸۶:

ماده ۹۸۶ - زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود میتواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی بتابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتبا مطلع کند ولی هر زن شوهر مرد

که از شوهر سابق خود اولاد ندارد نمی تواند مادام که اولاد او بسن ۱۸ سال تمام رسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیر منقول نخواهد داشت مگر در حدودیکه این حق باتباع خارجه داده شده باشد و هر گاه دارای اموال غیر منقول پیش از آنچه مکه برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً بارت اموال غیر منقولی پیش از آن حد بار برسد باید در طرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد اربت تعداد مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند والا اولاد مزبور با نظارت مدعی العموم محل بفروش رسیده و پس از وضع بخارج فروش قیمت آنها داده خواهد شد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده ۹۸۶ موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

**۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه**  
**رئیس** - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود (صحیح است) اگر اجازه بفرمایید جلسه ختم شود (صحیح است) جلسه آینده شنبه بیستم بهمن ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوابیح وزارت عدلیه.

(مجلس ملان ظهر ختم شد)  
**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر